



ناصر ذاکری
کارشناس اقتصادی

آیا اقتصاد ملی در مسیر توسعه است؟

روند تغییرات سهم عوامل تولید سه‌گانه (نیروی کار، سرمایه و زمین یا منابع طبیعی) از درآمد کل جامعه می‌تواند به‌عنوان یک شاخص وضعیت جامعه را از نظر حرکت در مسیر پیشرفت همه‌جانبه نشان بدهد. در بررسی حساب‌های ملی، درآمد به‌عنوان یک کیک تصویر می‌شود که در قالب سه برش مزد، سود و اجاره بین سه عامل تولید تقسیم می‌شود. به عبارت دیگر افزایش سهم یک عامل تولید از درآمد فقط با کاستن از سهم یک یا هر دو عامل دیگر شدنی است. با مرور کارنامه توسعه جوامع مختلف می‌توان با قدری مسامحه روند تغییرات سهم عوامل تولید را به شرح زیر خلاصه کرد:

رشد اقتصادی موجب افزایش درآمد جامعه (بزرگ‌ترشدن کیک) می‌شود و در نتیجه درآمد هر سه عامل بالا می‌رود و طبعاً با محقق‌شدن نرخ رشد بالاتر، این افزایش سریع‌تر اتفاق خواهد افتاد. علاوه‌براین سهم مزد در کل درآمد بیشتر خواهد شد؛ زیرا با حرکت جامعه در مسیر توسعه، کیفیت نیروی انسانی بهبود پیدا کرده و با افزایش درصد نیروی کار ماهر و نیز با افزایش بهره‌وری، متوسط دستمزد دریافتی نیروی کار افزایش می‌یابد. اما هزینه این افزایش لزوماً به عامل سرمایه تحمیل نشده و موجب کوچک‌ترشدن سهم

این عامل نمی‌شود؛ زیرا از یک سو کاهش نرخ سود موجب خروج سرمایه‌ها از بخش صنعت و احتمالاً هجوم به بازار مستغلات با امید دریافت اجاره بالاتر خواهد شد و از سوی دیگر دولت به‌عنوان متولی اجرای برنامه توسعه تلاش خواهد کرد با در نظر گرفتن مشوق‌هایی انگیزه صاحبان سرمایه را برای حضور گسترده‌تر در حوزه تولید بیشتر و پرنرگ‌تر کند. به‌این‌ترتیب می‌توان گفت افزایش سهم مزد با کاهش سهم اجاره همراه خواهد بود. با بررسی تحولات اقتصادی جامعه امروز ایران در چند دهه گذشته، می‌توان ادعا کرد اقتصاد ملی ما دقیقاً در مسیر مخالف پیش رفته است. از یک سو رشد اقتصادی و در نتیجه آن رشد درآمد با نرخی بسیار اندک نسبت به اقتصادهای رقیب محقق شده و در برخی سال‌ها رشد صفر و حتی منفی را نیز تجربه کرده‌ایم. از سوی دیگر با وجود بهبود نسبی کیفیت نیروی کار و افزایش سهم نیروی کار با تحصیلات دانشگاهی، سهم نیروی کار از درآمد کل جامعه افزایشی نشان نمی‌دهد. گویاترین شاهد این مدعا این است که در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۱ و در شرایطی که شاخص عمومی قیمت کالاها و خدمات با نرخ متوسط سالانه ۲۱۴ درصد بالا رفته، متوسط نرخ رشد سطح حداقل دستمزد کارگران فقط ۱۸.۵ درصد بوده

است. از سوی دیگر کاهش سهم مزد لزوماً منتهی به افزایش سهم سود نشده و منافع ناشی از این کاهش نصیب صاحبان املاک و مستغلات شده و به بیان دیگر سهم اجاره را افزایش داده است. گفتنی است سهم مسکن در سبد هزینه خانوارهای شهری کشور از حدود ۲۸ درصد در دهه ۱۳۶۰ به بیش از ۶۵ درصد در شرایط فعلی رسیده که تقریباً سه برابر میانگین جهانی است. به بیان دیگر درآمد نیروی کار (مزد) پاسخ‌گوی رشد درآمد صاحبان املاک و مستغلات (اجاره) نبوده است. با مرور واقعیت‌های فوق می‌توان این ادعا را پذیرفت که جامعه ما به جای حرکت در مسیر توسعه، به صورت مستمر از هدف توسعه همه‌جانبه دورتر و دورتر می‌شود. از جنبه نظری می‌توان گفت هرچند تغییر شاخص سهم عوامل تولید از درآمد در جهت مطلوب به‌تنهایی و بدون کمک دیگر شاخص‌های سنجش توسعه، برای قضاوت درباره موفقیت جامعه کافی نیست؛ اما حرکت این شاخص در جهت نامطلوب این اطمینان را در پژوهشگر ایجاد می‌کند که جامعه در حال فاصله‌گرفتن از هدف توسعه همه‌جانبه است؛ حتی اگر بقیه شاخص‌های سنجش توسعه عملکردی نسبتاً مطلوب را به رخ بکشند. هرگز نمی‌توان جامعه‌ای را که در آن برای دوره‌ای طولانی سطح

دریافتی عامل نیروی کار درحال سقوط بوده و در عوض سهم اجاره با سرعتی چشمگیر بالا می‌رود، یک جامعه در حال توسعه تلقی کرد؛ زیرا نتیجه حتمی ادامه این روند حاکمیت مناسبات ارباب و رعیتی و بازگشت ارزش‌های دوران فئودالی است. امروزه همه سیاست‌پویان و سخنوران از توسعه و ضرورت دستیابی به آن سخن می‌گویند و دولتمردان و مجلسیان درگیر گفت‌وگو در باب برنامه هفتم هستند که رشد اقتصادی هشت‌درصدی را هدف قرار داده است؛ اما باید دانست صرف تخصیص بودجه برای اجرای فلان پروژه عمرانی یا تلاش برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و حتی خارجی به معنی تسریع جریان توسعه نیست. جریان توسعه در کشور وقتی سرعت خواهد گرفت که متولیان برنامه توسعه کشور آگاهانه برای تغییر مطلوب سهم عوامل تولید و جلوگیری از رشد خسارت‌بار سهم اجاره از درآمد ملی تدابیر ببینند. بدیهی است که اجرای چنین سیاست‌هایی به مذاق برخی اشخاص حقیقی و حقوقی که از تداوم وضع موجود سود می‌برند، خوش نخواهد آمد؛ اما دولتمردان باید فارغ از وابستگی به هر جریان سیاسی شجاعانه در مسیر اجرای این وظیفه بزرگ ملی و تسریع جریان توسعه همه‌جانبه گام بردارند.



معادلات نوار مرزی ایران و ارمنستان به کجا می‌رسد؟

بازی در زنگه‌زور

شود تا جمهوری آذربایجان از طریق آن ارمنستان را دور بزند؛ اما میانه کار آذربایجان کنار کشید و پس از آن هم موضوع مسکوت ماند.

بلوک غرب در ارمنستان چه می‌خواهد؟

در طرف مقابل ارمنستان همچنان تأکید دارد که «هیچ کردوری نمی‌تواند در خاک ارمنستان فعالیت کند».

به جز این، ارمنستان و جمهوری آذربایجان که پیش‌ازاین حوزه نفوذ روسیه به شمار می‌آمدند، این روزها شاهد حضور پرنرگ‌تر بلوک غرب در این منطقه هستند. حمایت صریح آمریکا و اروپا از ارمنستان از سویی و نیاز اروپا به انتقال انرژی از منطقه قفقاز از کردور زنگه‌زور معادلات را پیچیده‌تر از همیشه کرده است. در چنین شرایطی سرنوشت زنگه‌زور به کجا ختم خواهد شد؟ این پرسشی است که علی ضیایی، کارشناس و رئیس پژوهشکده حمل‌ونقل و احسان موحدیان، کارشناس منطقه قفقاز، پاسخ نزدیک به همی برای آن دارند.

به باور ضیایی ماجرا را باید در سه سطح دید؛ سطح اول موضوع ارتباطات حمل‌ونقلی کشورهاست. سطح دیگر این است که کردور نوار مرزی را قطع می‌کند و سطح سوم احتمال تصرف استان سیونیک از طرف آذربایجان است. او به «شرق» می‌گوید: «برخی البته دو سطح دوم و سوم را یکی تلقی می‌کنند؛ اما من تفکیک‌شده می‌دانم. آنچه اکنون مطرح است سطح سوم است؛ هرچند ترکیه و آذربایجان با احتیاط مطرح می‌کنند؛ اما قصدشان این است. حتی در جلسه‌ای که به‌تازگی اردوغان در نخجوان داشت، واضح درباره واگذاری ناحق سیونیک از سوی شوروی به ارمنستان صحبت کرد. با این حال من این اتفاق را ناممکن می‌دانم؛ نه به خاطر فشار آمریکا و غربی‌ها چون دسترسی آنان محدود است. ضمن اینکه شواهد امر نشان می‌دهد همان اندازه که آمریکا مخالف است، انگلستان موافق است و اصلاً اردوغان با پشتوانه بریتانیا ورود پیدا کرده است. از نگاه من تا امروز تنها عامل بازدارنده موضوع‌گیری رسمی و جدی ایران در مقابل هرگونه تغییر دراین‌باره بوده است. اگر تهدید ایران نبود تا امروز حتماً این اتفاق افتاده بود؛ به‌ویژه با توجه به اینکه ارمنستان چندان انگیزه دفاع نشان نمی‌دهد. سخنرانی نخست‌وزیرشان هم این را نشان می‌داد؛ چون به‌شدت از موضع ضعف بود».

او می‌افزاید: «در سطح ارتباطات حمل‌ونقلی بحث پیچیده‌تر است؛ بر سر اینکه آیا ایران و روسیه موافق هستند یا نه، اختلاف نظرات بسیاری بین صاحب‌نظران وجود دارد. من نمی‌دانم تصمیم ایران چیست؛ اما وضعیت این‌طور است که اگر نخجوان و آذربایجان صرفاً با خط ریلی یا جاده متصل شوند، یک مزیت برای ایران دارد و یک عیب. عیش این است که مزیت کردور شرق به غرب را از دست می‌دهیم (هرچند اگر کردور شرق به غرب ایران راه بیفتد، به نظر من زنگه‌زور اصلاً توانایی رقابت با آن را ندارد. همین الان ژورنال‌های اروپایی نشان می‌دهد آنها در حال ناامیدشدن از میدل کردور هستند؛ چون آنها انتظار یک کردور بین‌قاره‌ای داشتند؛ اما در نهایت تنها به کردور منطقه کاسپین تبدیل شده، نه بیشتر. به‌همین دلیل اگر کردور ما راه‌اندازی شود، سایر کردورها خیلی توان رقابت ندارند). مزیت آن هم برای ایران که البته با شرط است. این است که خط جلفای ما قابلیت راه‌اندازی پیدا خواهد کرد. اگر ارتباطات بین نخجوان، ارمنستان و آذربایجان برقرار شود، ما مثل ۴۰ سال پیش می‌توانیم از جلفا وارد نخجوان شویم و بعد ارمنستان و بعد هم آذربایجان و روسیه».

او همچنین ادعای اردوغان مبنی بر عبوردادن کردور از خاک ایران را یک بازی دوگانه می‌داند و توضیح می‌دهد: «مدت‌ها پیش این موضوع بین ایران

مهمان سلیمان بیگی: بازی پیچیده جمهوری آذربایجان و ترکیه برای کردور جنجالی زنگه‌زور دوباره خبرساز شده است. به‌تازگی رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه و رسانه‌های این کشور، در جریان سفر او به منطقه نخجوان، موضوع ایجاد کردور زنگه‌زور را مجدداً به طور جدی پیش کشیده‌اند. با این تفاوت که این بار پای مداخله بلوک غرب هم به ماجرا باز شده است.

ماجرای زنگه‌زور چیست؟

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه و الهام علی‌اف، رئیس دولت جمهوری آذربایجان، دوشادوش هم برای پیشبرد طرح بلندپروازانه ایجاد «دالان تورانی» از طریق کردور زنگه‌زور- لاجچین تلاش می‌کنند. منطقه زنگه‌زور در شرق ارمنستان و در محدوده استان «سیونیک» یعنی کانون حملات جدید ارتش آذربایجان قرار دارد. سیونیک از شرق از سوی جمهوری آذربایجان و از غرب از طرف نخجوان احاطه شده است و از جنوب نیز مرزی ۴۴ کیلومتری با ایران دارد؛ بنابراین این منطقه نته‌تها برای باکو و ایروان؛ بلکه برای تهران هم دارای اهمیت استراتژیک ویژه است. همین امر در ماه‌های گذشته حساسیت و هشدار ویژه تهران را به همراه داشته است. اردست‌ترین احتمالی مزیت ارتباطی ایران در صورت افتتاح کردور زنگه‌زور و اتصال خاک اصلی جمهوری آذربایجان به نخجوان یکی از دلایل اصلی مخالفت تهران با ایجاد این دالان ارتباطی است؛ ضمن اینکه ایران تحولات قفقاز جنوبی پس از جنگ دوم قره‌باغ را علاوه بر یک تهدید علیه منافع میان‌مدت و بلندمدت ژئوپلیتیکی و ژئوکانومیکی خود، تهدیدی نسبت به امنیت ملی این کشور نیز تفسیر می‌کند.

اراضی نخجوان پس از تصمیم شوروی برای دادن منطقه ترک‌نشین زنگه‌زور به ارمنستان در سال ۱۹۲۰، از بقیه اراضی جمهوری آذربایجان دور مانده است. یک سال بعد، نخجوان با معاهده مسکو که در ۱۶ مارس ۱۹۲۱ بین ترکیه و اتحاد جماهیر شوروی امضا شد، ساختاری خودمختار به دست آورد و به شرط واگذارشدن به کشور دیگری به آذربایجان واگذار شد. همین موضوع در توافق‌نامه قارص که در ۱۳ اکتبر ۱۹۲۱ بین ترکیه، شوروی، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان امضا شد، تأیید شد و ترکیه ضامن باقی‌ماندن نخجوان به‌عنوان یک جمهوری خودمختار وابسته به آذربایجان شد.

حالا علی‌اف با تکیه به همین موضوع و با بیان اینکه: «متأسفانه زنگه‌زور غربی از طرف مقامات شوروی از آذربایجان جدا شد و به‌این‌ترتیب ارتباط جغرافیایی قسمت اصلی آذربایجان و نخجوان قطع شد». توجیهی برای تحمیل کردور زنگه‌زور پیدا کرده است. اردوغان هم در سفر اخیرش و در مجمع عالی جمهوری خودمختار نخجوان یک بار دیگر صراحتاً از این تصمیم آذربایجان حمایت کرده است.

جمهوری خودمختار نخجوان میزبان تنها مرز زمینی آذربایجان با ترکیه با خطی به طول ۱۷۰۷ کیلومتر است و به قول آتاتورک به‌عنوان دروازه ترکیه به جهان تُرک عمل می‌کند. ازاین‌رو هم اردوغان افتتاح مسیر زمینی کردور زنگه‌زور در جنوب قفقاز را «مسئله راهبردی» برای ترکیه می‌خواند و تأکید دارد که این کردور برای روابط آنکارا و باکو «بسیار مهم» است.

او حتی اعلام کرد که اگر ایروان با چنین چیزی مخالفت کند، کردور می‌تواند از ایران عبور کند.

پیش‌ازاین هم البته یک بار مسیر ایران به‌عنوان راه جایگزین جمهوری آذربایجان معرفی شده بود. ماجرا حتی تا جایی پیش رفت که توافقی میان این کشور با ایران هم شکل گرفت و بنا شد اولین پل روی رود اساخته

سو همراهی روس‌ها به‌عنوان پشتیبان سنتی‌اش را تا حدی از دست داده و از طرف دیگر پای غربی‌ها را به آن منطقه باز کرده است.

موحدیان به «شرق» می‌گوید: «دراین‌میان ترکیه هم به دنبال امیال اقتصادی خودش است تا در نهایت از خلال آن جهان ترک مدنظرش را شکل دهد. با این حالت زمانی که ایران در حفظ مرزش با ارمنستان جدیت دارد و تأکید می‌کند این راه باید برقرار بماند، اتفاقی نمی‌افتد؛ اما اگر ایران دچار شرایطی شود که همسایه‌ها احساس کنند ایران توانایی حفاظت از مرزش را ندارد یا در داخل ارمنستان اعتراضات به تصرف قره‌باغ از طرف ارتش جمهوری آذربایجان به حدی برسد که باکو و آنکارا نتوانند با استفاده از شرایط به خاک این کشور دست بیندازند، این احتمال وجود دارد که به سمت ایجاد کردور بروند و درگیری ایجاد شود».

به باور این کارشناس ورود فرانسه، آلمان و آمریکا به این موضوع، آغاز یک روند طولانی مداخله در ارمنستان است از طرف غربی‌ها که به دنبال ضربه‌زدن به روسیه، چین و ایران هستند.

آن‌ورکه موحدیان می‌گوید، اگر آذربایجان و ترکیه در همین چند هفته حس کنند شرایط به گونه‌ای است که می‌توانند، حتماً این کار را می‌کنند؛ چون این برنامه صدساله ترکیه بوده و نقش انگلستان را هم نباید نادیده گرفت.

همچنین به اعتقاد کارشناس مسائل قفقاز حرف اردوغان درباره عبوردادن کردور از ایران، صرفاً یک حرف تاکتیکی بوده است؛ چراکه راهبرد ترکیه این است که مسیر از داخل خاک ارمنستان عبور کند، در سه سال پس از جنگ ۲۰۲۰ نیز در حال تکمیل همین مسیر ریلی بوده است؛ اما ترکیه ایران را بزرگ‌ترین رقیب خودش در حوزه تمدن، سیاست و اقتصاد می‌داند که در حوزه‌های دیگر سیاست خارجه ازجمله سوریه، عراق، لبنان و لیبی از آن شکست خورده، شرایط اقتصادی بدی هم دارد و ایجاد کردور ترانس کاسپین از مسیر ارمنستان از چین تا انگلیس سود اقتصادی هنگفتی برایش دارد و این کشور را به قطع صادرات انرژی و انتقال کالا تبدیل می‌کند که موجب ارزشمندی سیاسی و امنیتی آن هم می‌شود.

موحدیان می‌افزاید: «ترکیه قطعاً نمی‌خواهد جای خودش را ایران بگیرد و ایران باشد که شاه‌رگ کردوری انتقال کالا و انرژی را از دست می‌گیرد؛ پس طبیعتاً ترجیح می‌دهد کردورش از ایران عبور نکند؛ بنابراین هرگز اردوغان نمی‌خواهد که این مسیر کردوری از ایران عبور کند و حرفش فقط جنبه تاکتیکی داشته است.

رئیس جمهور: اقدامات هلدینگ پتروپالایش اصفهان برنامه محور است

قدردانی رئیس‌جمهور از میزان اشتغال‌زایی



تأکید می‌کنم که در زمینه سرمایه‌گذاری در صنعت توجه داشته باشند چراکه در غیر این صورت از دنیا عقب خواهیم ماند و باور داشته باشیم که دنیا در همه عرصه‌ها و به ویژه صنعت نفت روز به روز در حال رشد و سرمایه‌گذاری است و

چنانچه ما از این امر غافل شویم، عقب خواهیم ماند.

وی در ادامه با بیان اینکه کیفی‌سازی تولید در صنعت نفت از اهداف محوری دولت در راستای ارتقای سلامت مردم است، اضافه کرد: تلاش امروز متخصصان در سنگر تولید روز به روز دشمن را ناامیدتر و زمین‌گیرتر می‌کند.

رئیس‌جمهور با تأکید بر ضرورت اصلاح الگوی مصرف و اهتمام جدی به فرهنگ‌سازی در این زمینه گفت: اقدام بزرگ پتروپالایشگاه اصفهان در تولید روزانه ۱۰۰ هزار بشکه سوخت پاک، کیفی‌سازی تولید در صنعت نفت از جمله اهداف محوری دولت و موجب رفع آلودگی‌ها و ارتقای سلامت مردم است. وی اظهار کرد: به همان میزانی که اعداد و ارقام در تولید مورد توجه است، باید کیفیت در تولید بنزین، گازوئیل و سایر محصولات نفتی و پتروشیمی نیز مورد توجه قرار گیرد.



محقق‌شدن است. رئیس‌جمهور با اشاره به اشتغال‌زایی خوب در هلدینگ پتروپالایش اصفهان نیز گفت: نقطه قوت این اشتغال‌زایی ایجاد فرصت شغلی برای نخبگان است که این امر برای ما بسیار مبارک است.

وی با اشاره به ارتباط هلدینگ پتروپالایش اصفهان با شرکت‌های دانش‌بنیان ابراز کرد: استان اصفهان پایتخت شرکت‌های دانش‌بنیان است و سرمایه‌گذاری صنایع بزرگ در این شرکت‌ها نیز منجر به امیدآفرینی و ایجاد حس امنیت در بین جامعه دانشگاهی و نخبگان می‌شود که این امر منجر به ماندگاری نخبگان در کشور می‌شود.

حجت‌الاسلام رئیسی با اشاره به اینکه روند فعالیت‌ها و اجرای پروژه‌ها در هلدینگ پتروپالایش اصفهان بیانگر برنامه‌محوربودن فعالیت‌ها در این مجموعه است، گفت: هر گونه حمایت لازم را از این صنعت خواهیم داشت و امیدواریم هرچه زودتر اهداف تعریف‌شده برای این هلدینگ محقق شود تا شاهد رسیدن به جایگاه واقعی آن در سطح بین‌الملل باشیم.

وی اضافه کرد: به همه مسئولان و صاحبان صنایع نیز

رئیس‌جمهور کشورمان گفت: اقدامات هلدینگ پتروپالایش اصفهان بر اساس برنامه است و این امر منجر به امیدآفرینی در جامعه می‌شود.

به گزارش روابط عمومی و بین‌الملل هلدینگ پتروپالایش اصفهان، حجت‌الاسلام ابراهیم رئیسی عصر جمعه در آیین بهره‌برداری رسمی از طرح زیست‌محیطی تصفیه‌گازوئیل هلدینگ پتروپالایش اصفهان ضمن قدردانی از جواد اوچی وزیر نفت، جلیل سالاری مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی و محسن قدیری مدیرعامل هلدینگ پتروپالایش اصفهان به دلیل اجرای خوب پروژه‌های این هلدینگ اظهار کرد: همه برنامه‌ها و اقدامات در دستور کار برای این هلدینگ به خوبی در حال انجام است و مایه امیدآفرینی برای مردم خواهد بود. وی با بیان اینکه در هلدینگ پتروپالایش اصفهان در کنار اجرای پروژه‌هایی که در راستای حفظ محیط زیست در دستور کار است، توسعه زنجیره ارزش صنعت نفت نیز مشاهده می‌شود، افزود: این امر یکی از اصلی‌ترین مسئولیت‌های اجتماعی این هلدینگ است که به خوبی در حال